

مقدمه‌ای بر منشور وحدت اسلامی.....

محمد رضا احمدی

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

«باید با تهیه منشور عملی وحدت که به تأیید همه روشنفکران، علما و نخبگان سیاسی دلسوز دنیای اسلام رسیده باشد، زمینه عملی وحدت را فراهم کرد». (مقام معظم رهبری)

چکیده

آرمان بزرگ وحدت اسلامی، هماهنگ با رسالت جهانشمول دین مقدس اسلام، از دیرباز مورد توجه و تأکید اولیا و رهبران دلسوز و حقیقی اسلام بوده است. در شرایط فعلی حاکم بر عرصه جهانی و جهان اسلامی، برداشتن گامهای عملی در این راستا، ضرورتی مضاعف یافته است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، به عنوان یک رهیافت عینی و کارگشا، تدوین منشور وحدت اسلامی را توصیه و پیشنهاد فرموده‌اند. به عنوان مقدمه‌ای بر تدوین این منشور، می‌توان از توافق رهبران فکری و سیاسی و نخبگان جهان اسلام بر سر مفاهیمی مانند وحدت اسلامی، مبانی وحدت اسلامی، اصول وحدت اسلامی، تأسیس و تقویت برخی موسسات بین‌المللی اسلامی نام برد. توافق در چنین مواردی ضمن آنکه به انجام بهینه رسالت معرفتی، اخلاقی، اجتماعی و تقنینی رهبران حقیقی و عالمان دینی فرق مختلف اسلامی کمک می‌کند، می‌تواند زمینه‌های رسیدن به ارزشهای مشترک، اصول مشترک، ضوابط مشترک و دستورالعملهای رفتاری و ساختاری مشترک را نیز به مثابه منشور عملی وحدت اسلامی به خوبی فراهم سازد.

کلید واژه‌ها: منشور عملی وحدت اسلامی، مبانی وحدت اسلامی، اصول وحدت اسلامی، رهیافتهای عملی وحدت اسلامی.

مقدمه

اساساً رسالت اسلام، رسالتی جهانی است و همه انسانها در همه زمانها و مکانها مخاطبان عمومی پیامهای اسلامی را تشکیل می‌دهند. آیین حیات بخش اسلام، آیینی است که با آغوش باز از همه پویندگان حقیقت استقبال می‌کند و مبانی اندیشه خود را آنچنان محکم و مبرهن می‌داند که آمادگی هر نوع بحث و گفتگویی را در همه عرصه‌ها و ساحتهای فکری دارد.

رهبران بزرگ اسلامی نیز به تاسی از پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم (س) همواره بر این موضع پای فشرده‌اند؛ مذاکرات مرحوم آیت الله بروجردی با رئیس الازهر مصر - شیخ محمود شلتوت - که منجر به تاسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه و صدور فتوای معروف شیخ الازهر درباره جواز عمل به فقه شیعه شد، مباحثات مرحوم علامه طباطبایی با دانشمند معروف فرانسوی - هانری کربن - مکاتبات مرحومه علامه محمدتقی جعفری با فیلسوف معروف مغرب زمین، برتر اندر اسل، اعزاز امام موسی صدر از حوزه علمیه قم به لبنان، تاسیس مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان با مدیریت اندیشمند بزرگی مانند شهید دکتر بهشتی، نامه تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، میخائیل گورباچف، و اعلام هفته وحدت و روز جهانی قدس از جانب ایشان و تلاشهای علمای بزرگی مانند کاشف الغطاء، شرف الدین و سید جمال الدین اسدآبادی همه و همه در جهت رسالت جهانی اسلام و ایجاد وحدت میان مذاهب و فرق اسلامی از یک سو و رساندن پیام جهانشمول اسلام به همه مخاطبان دین از سوی دیگر بوده است.

بنابراین، بحث و وحدت اسلامی پیشینه‌ای به درازنای تاریخ اسلام داشته و برای رهبران واقعی اسلام همواره یک رهیافت غیر قابل تردید به حساب آمده است. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان این رهیافت را در صحنه عمل به اجرا درآورد و از کینه ورزی‌ها و تفرقه افکنی‌های خناسان ستیزه جو، جاهلان متنسک و عالمان شیطانزده متهتک جلوگیری کرد؟

رهنمود اصولی رهبر معظم انقلاب اسلامی که از منادیان حقیقی وحدت در عصر حاضر

است، «تدوین منشور عملی وحدت» است که باید به تایید متفکران و رهبران حقیقی و دلسوز جهان اسلام برسد و پس از آن مخالفان این منشور به عنوان مخالفان وحدت اسلامی و نیز بدخواهان امت بزرگ اسلامی تلقی شوند.

منشور در لغت عربی از ریشه تشر مشتق شده و به معانی مختلف بکار می‌رود از جمله؛ پراکنده شدن، مبعوث شدن، زنده شدن.

در علم فیزیک، منشور حجمی چند وجهی است که قاعده‌های آن مثلث یا چند ضلعی متوازی و وجوه آن متوازی الاضلاع باشد.

خاصیت منشور این است که نور سفید را به رنگهای اصلی تجزیه می‌کند، در اصطلاح دیوانی نیز منشور به نامه دولتی اطلاق می‌شود که سرش بسته نباشد؛ مانند فرمانها و دستورهای غیر محرمانه. با توجه به موارد یاد شده، مراد از منشور عملی، بیانیه‌ای است که مواضع فرق اسلامی برای وحدت در آن به طور شفاف و کامل بیان شده باشد.^۱

با توجه به این رهنمود اساسی، سوال اساسی در این مقاله آن است که تدوین منشور وحدت اسلامی، چه پیش نیازها و چه زمینه‌ها و مقدماتی را نیاز دارد و چه طیف‌ها و گروههایی در این زمینه واجد رسالت و مسئولیت خاص می‌باشند؟

نویسنده بر آن است که با تکیه بر آیات و روایات و سیره و سنت پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم - علیهم السلام - و رهنمودهای بزرگان و اندیشمندان اسلامی و به استناد برخی حقایق عصری و موقعیتی در شرایط کنونی دنیای اسلام و تحولات عرصه جهانی، در سالی که به نام وحدت ملی و انسجام اسلامی نامگذاری شده، به سهم خود قدمی هرچند کوچک برداشته باشد. امید آنکه اندیشمندان و اهل تحقیق و تدقیق گامهای بعدی را هرچه بلندتر و استوارتر بردارند و این آرمان بزرگ اسلامی هرچه زودتر تحقق یابد. انشاءالله.

۱. مفهوم وحدت اسلامی

قطعاً وقتی سخن از وحدت اسلامی به میان می‌آید، مراد یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. زیرا، میدان برخورد مذاهب و تضارب آراء فقهی، فلسفی، کلامی، میدان علمی

است، میدان مباحثات فقهی، کلامی و فلسفی است. آنچه مهم است این است که این تضارب آراء و این مباحثات و مناقشات علمی اولاً منجر به تفقه بهتر و تدبر عمیق‌تر در معارف نورانی اسلامی شده به تبیین دقیق‌تر و شفاف‌تر آنها بینجامد و در ثانی، در میدان واقعیت‌های زندگی ملت‌های مسلمان و در میدان سیاست ورزی سیاستمداران مسلمان و دولتهای اسلامی تاثیر مناقشه‌آمیز نگذارد.^۲

مفهوم اصلی وحدت در این بیان، پرهیز از مناقشات بی پایه و اساس سیاسی، قومی و مذهبی میان مسلمانان بواسطه مناقشات علمی، فقهی، فلسفی و کلامی فقیهان، متکلمان و فیلسوفان و دانشمندان اسلامی است. همچنین دوری جستن از منازعه، دشمنی، کین خواهی و حرکت در جهت ضربه زدن به انسجام ملت اسلام و مخدوش کردن هیمنه حوزه فرهنگی و تمدنی مسلمانان.^۳

۲. ضرورت وحدت اسلامی

به عقیده بسیاری از اندیشمندان و تحلیل‌گران مسائل جهانی، جهان جدید در حال شکل‌گیری، که پس از فروپاشی نظام دوقطبی دوران جنگ سرد شاهد آنیم، جهانی است چندقطبی، چند فرهنگی و چندتمدنی با محوریت دین. از سوی دیگر، پیشرفتهای شگرف و اعجاب‌انگیز در عرصه دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز شرایطی را به وجود آورده که انسانها از ویژگی «همه جا بودگی» برخوردار شده‌اند. در چنین شرایطی، هر حوزه فرهنگی و تمدنی که قادر به جذب، اقباع و انبعاث مخاطبان خود در مقیاس جهانی نباشد، به ناچار باید عرصه را برای فرهنگها و تمدنهای رقیب خالی کند.^۴

مبتهی بر این تحلیل، که شواهد و قرائن بسیاری هم آن را پشتیبانی و تایید می‌کند، رهبران حوزه تمدنی و فرهنگی غرب در پی جهانی سازی فرهنگ، سیاست و اقتصاد بر مبنای لیبرالیسم، دموکراسی لیبرال و سرمایه داری بازار آزاد هستند تا با محوریت صهیونیسم مسیحی - یهودی یا «آنگلوصهیون» مدیریت و رهبری تحولات عرصه جهانی را در اختیار و کنترل خود قرار دهند. در این میان، تنها رقیب جدی جهانی سازی ارزشهای غربی را فرهنگ و تمدن اسلامی تشخیص داده، برای اضمحلال و نابودی آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

بر این اساس، بازخوانی و بازبایی هویت تاریخی - فرهنگی مسلمانان، پویا حقیقی قدرت برای این حوزه تمدنی و پایش مقتدرانه و متعهد از مرزهای فکری، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی جهان اسلام از ضرورت‌های انکارناپذیر و تاریخی در موقعیت فعلی است. به گونه‌ای که هیچ قدرت و امکان انتخابی برای مسلمانان باقی نمی‌گذارد و براستی و بدون اغراق انتخاب در این عرصه، انتخاب میان مرگ و زندگی، بودن و نبودن ماندن و رفتن است.

چراکه غرب با تکیه بر قدرت بی رقیب فناوری اطلاعات و ارتباطاتی که در اختیار دارد، در پی ایجاد جوامع قومی مجازی (virtual ethnic communities) از طریق ایجاد اشتراکات مرامی و فرهنگی به وسیله مجراهای ارتباطی نوین مانند تلوزیونهای تعاملی (inter active T.V)، تلویزیونهای جهان گستر (T.V.web)، اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای پیشرفته با قابلیت دریافت آسان و غیرقابل کنترل، پستهای الکترونیکی و... می‌باشد که می‌تواند جوامع جغرافیایی پراکنده را به شکلی پویا، زنده و هماهنگ در کنار یکدیگر قرار دهد و به عنوان اهرم فشار سیاسی - اجتماعی قدرتمند علیه حاکمیت‌های ملی بشوراند و ارتباطات عمودی و افقی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را در جوامع هدف دچار اختلال، و آشفتگی جدی سازد.^۵

بنابراین، برای بازبایی هویت فرهنگی و تاریخی خود، هر مسلمانی باید بتواند برای سؤالاتی اساسی زیر و سؤالاتی دیگری از این دست پاسخهای روشن و منطقی داشته باشد:

- به چه حوزه فرهنگی و تمدنی و با چه ساختار مادی و معنوی تعلق دارد؟
- چه روابط مادی و معنوی او را با این حوزه فرهنگی و تمدنی پیوند می‌دهد؟
- چرا او خود را بخشی و جزئی از این حوزه فرهنگی و تمدنی احساس می‌کند؟
- این احساس تعلق، چه تعهداتی برای او ایجاد می‌کند؟
- چه روابط مادی و معنوی او را از این حوزه فرهنگی و تمدنی جدا و بیگانه می‌سازد؟
- گذشته مشترک او با این حوزه فرهنگی و تمدنی چیست؟
- چه بخشی از فرهنگ مادی و معنوی این حوزه تمدنی او را می‌پذیرد و چه بخشی او را رد و رد می‌کند؟

- او در قبال مسائل اصلی و اساسی که این حوزه فرهنگی و تمدنی با آن مواجه است چه مسئولیتی برعهده دارد؟

- و بالاخره او برای این حوزه فرهنگی و تمدنی چه آینده‌ای را آرزو می‌کند و متقابلاً این حوزه تمدنی چه آینده‌ای را برای او تصویر کرده است؟^۶

۳. مبانی وحدت اسلامی

در اسلام، برخلاف مبانی حقوقی معاصر که بر اساس «تابعیت» تعیین می‌شود، اختلاف در نژاد، زبان و سایر عناصر دیگر، موجب اختلاف در برخورداری از حقوق اجتماعی نیست. در قوانین اسلامی، مسأله تابعیت و ملیت بر اساس خون، زبان، خاک و یا سایر عناصر مادی دیگر استوار نیست. بلکه، امری اختیاری و مربوط به عقیده و طرز تفکر افراد تشکیل دهنده جامعه اسلامی است. بنابراین، ملت اسلامی عبارت است از «مجموعه گروه‌های (قومی، زبانی، نژادی و جغرافیایی) مختلفی که بر اساس جهان بینی و عقیده واحد زندگی مشترک و هماهنگ و قانون واحد را برای تنظیم حیات اجتماعی و فردی خود انتخاب کرده‌اند»^۷.

قرآن کریم، به جای اصطلاح رایج در ادبیات سیاسی امروز که واژه «ملت»^۸ را برای تفکیک گروه‌های متشکل ملی در قالب «دولت - ملت» تشکیل می‌دهند، از اصطلاح «امت» استفاده کرده و جامعه متشکل با وحدت فکری و اعتقادی را در عین آنکه از نظر نژادی و زبانی، سرزمینی، تاریخی و... مختلف باشند، «أمة واحدة» خوانده است.^۹

بر این اساس، پیامبر اعظم (ص) در حجة الوداع، تنها ملاک برتری را تقوای الهی برشمرد و بر انواع برتری‌های موهوم و غیراصیل خط بطلان کشید.^{۱۰}

با توجه به تعریفی که از ملت اسلامی که همان «امت واحده» است ارائه شد، مبانی وحدت اسلامی را باید در سه حوزه اصلی زیر شناسایی و ارائه کرد:

الف - حوزه جهان بینی و بینش‌های اصلی و اساسی (اعتقادات).

ب - حوزه ارزشها و گرایشهای اصلی و اساسی (اخلاقیات).

ج - حوزه مناسک، آداب و رسوم و رفتارهای اصلی و اساسی (احکام).

بدین منظور، ابتدا باید در مباحث دین پژوهی، نگاهی جامع نگر و کل گرا به اندیشه اسلامی داشت و آن را به مثابه یک نظام فکری جامع و کامل نگریست که برای همه ساحت‌های حیات مادی و معنوی و امور دنیوی و اخروی انسان دارای رهنمود است که با شناخت آنها و پایبندی بدانها در ذهن و زبان و رفتار می‌توان سعادت حقیقی جامعه اسلامی را محقق ساخت. پس از اتخاذ این رویکرد، باید میان رهنمودهای دین برای موقعیت‌های عصری و مکانی خاص - که با تغییر شرایط دچار تغییر و تحول می‌شود - و رهنمودهای ثابت، لایتغیر و جهانشمول اسلامی که تابع شرایط و موقعیت‌های اصلی و اساسی نبوده و برای همیشه ثابت و غیرقابل تغییر و تفسیر است تفکیک قائل شد.^{۱۱}

بدین ترتیب، لجنه‌های فکری و حوزه‌های علمی اسلامی قادر خواهند بود رسالت «تفه در دین» و آگاهی بخشی به جهان اسلام و مخاطبان دین را در چهار بعد اصلی زیر به خوبی ایفا کنند:

یکم. رسالت معرفتی: انجام درست این رسالت متضمن پیامدهای درخشان زیر خواهد بود؛ هماهنگی دین و دانش، زدودن دین از خرافات، جعلیات و موهومات و ارائه دلایل عقلانی و منطقی - منطبق بر معارف ناب اسلامی - در اثبات مدعاهای دین به همراه خردگرایی دینی و پیراستن دین از عوام زدگی و پالایش معارف دین از سستهای قومی، نژادی، زبانی و تاریخی ملت‌های مختلفی که به مرور و در طول تاریخ به جرگه اسلامی پیوسته‌اند.

دوم. رسالت اخلاقی: به استناد آنکه فرمود: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^{۱۲} انجام این رسالت باید بر چهار پایه اصلی زیر استوار باشد:

- ۱- تبیین دقیق اعتقاد به کرامت ذاتی انسان؛^{۱۳}
- ۲- تبیین مبانی خیر اخلاقی، حسن و قبح عقلی و گرایش فطری انسان به خیر اخلاقی؛^{۱۴}
- ۳- تبیین منشا اخلاقی حلال و حرام، امر و نهی، استحباب و کراهت و نقش آنها در تکامل معنوی، افزودن بر انگیزه‌های شرعی محض؛
- ۴- تبیین ارزشهای اصلی و اساسی اخلاق اسلامی.

سوم. رسالت اجتماعی: انجام درست این رسالت، منجر به نمایاندن قدرت اسلام بر

درمان آلام و دردهای لاعلاج بشری و حل مشکلات لاینحل اجتماعی خواهد بود چرا که اسلام، به واقع یک نظام وسیع عقیده و عمل است^{۱۵}. و فقه آن فقه زندگی، فقه جامعه، فقه پویا، فقه حکومت و در یک کلام «تئوری اداره جامعه از گهواره تا گور است»^{۱۶}.

چهارم. رسالت تقنینی: برای انجام این رسالت نیز سه ویژگی لازم است:

۱- به کارگیری روشمند، معتبر و اطمینان آور دلایل عقلی و نقلی.

۲- فهم متقن و قابل اتکای احکام شرعی از منابع مربوطه.

۳- برگردان نظریات و آراء فقهی در زمینه‌های مختلف و ساحت‌های گوناگون زندگی عملی به صورت قابل اجرا برای همه مکلفان و مخاطبان دین^{۱۷}. به گونه‌ای که در مسائل اصلی و اساسی و ضروریات دین اختلاف آراء فقهی به حداقل ممکن برسد و مکلفان مسلمان برای انجام امور عبادی و احکام شرعی خود در تشکیلات غیر معمول و سردرگمی و بلا تکلیفی قرار نگیرند.

۴. اصول وحدت اسلامی

در روابط بین المللی، بر اساس «تئوری حکومت»، چهار سطح مختلف برای همکاری‌ها وجود دارد. این چهار سطح عبارتند از:

۱- ارزشهای مشترک (در بحث وحدت اسلامی می‌تواند حوزه ضروریات دین را شامل شود).

۲- اصول مشترک

۳- ضوابط مشترک

۴- دستورالعمل‌های مشترک

به عنوان مثال، غرب سیاسی در دو سوی آتلانتیک، ارزشهای مشترک خود را در موارد زیر تعریف کرده است: دموکراسی، آزادی، لیبرالیسم، حقوق بشر. اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد، منع گسترش (به عبارت صحیح‌تر انحصار) سلاح‌های کشتار جمعی، و اخیراً انحصار دانشها و فناوریهای راهبردی و مبارزه با تروریسم.

با این وصف، تا زمانی که این اشتراک به صورت نظری و اصولی وجود دارد ولی به

لحاظ عملی و در برخورد با مسائل و مشکلات رفتارها متفاوت باشد، همگرایی و وحدت واقعی شکل نخواهد گرفت. بنابراین هرچه سطح همکاری از ارزشهای مشترک به سمت اصول مشترک ضوابط مشترک و دستورالعملهای مشترک پیش می‌رود، دامنه همگرایی و هماهنگی نیز از عدم تنازع به سمت رقابت مسالمت‌آمیز، همکاری، و وحدت راهبردی ارتقاء خواهد یافت در نتیجه، امکان تعقیب و تحقق آرمانهای مشترک، اهداف مشترک، منافع مشترک و ساختارها و رفتار مشترک در عرصه‌های بین‌المللی به وجود خواهد آمد. در صورتی که چنین روندی نهادینه شود و استمرار یابد، در نهایت منجر به وحدت ژئوپلتیکی خواهد شد. با توجه به آنچه گفته شد و با امعان به مواردی که در مبانی وحدت اشاره شد، به نظر می‌رسد توجه به پایبندی به اصول مشترک زیر که بدون هیچ توضیح و تفسیری از نصوص اسلامی قابل فهم و برداشت می‌باشد، می‌تواند در تدوین منشور وحدت نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نماید.

۱-۴. اصل اخوت و برادری ایمانی

برابر این اصل، مسلمانان (بدون استثنا) با هم برادرند، چنانکه پیامبر اعظم (ص) برای ایجاد تعلق اجتماعی در جامعه نوپنیا (مدینه النبی (ص)، فرمان عقد مواخات را میان مسلمانان صادر فرمود و همه مردان مسلمان با یکدیگر و زنان مسلمان نیز با یکدیگر این عقد مبارک را میان خود جاری نمودند.^{۱۸}

و پس از فتح مکه نیز فرمود: «الْمُسْلِمُ أَخُ الْمُسْلِمِ وَالْمُسْلِمُونَ هُمْ يَدُ وَاحِدٍ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ تَتَكَافَوْنَ مِثْلَ يَدَيْهِمْ اِدْنَاهُمْ»^{۱۹}.

۲-۳. اصل اصلاح ذات البین

از آنجاکه اصل اخوت ایمانی میان مسلمانان حاکم است، تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی، سیاست‌گذاریها، تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها در جوامع اسلامی باید مبتنی بر تالیف قلوب، زدودن کینه‌ها و اصلاح اختلافات میان برادران ایمانی^{۲۰} باشد. تا در سایه این تالیف قلوب و اصلاح ذات‌البین هم‌کینه‌ها و عداوتها زائل («و» کم رنگ شوند، هم‌برادری و همبستگی ایمانی تحکیم و تعمیق شود و جامعه اسلامی از الطاف و رحمت‌های الهی بهره‌مند و سیراب گردد^{۲۱}.

۳-۴. اصل ایمان بالله و کفر بالطاغوت

فرمان الهی وحدت، اعتصام بحبل الله و پرهیز از تفرقه و جدایی یک فرمان تکلیف آور جمعی است؛ «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»^{۲۲}. بنابراین، همه ملت‌ها و دولتهای اسلامی مکلف به حرکت در مسیر همگرایی اسلامی و پرهیز از رفتارهای واگرایانه می‌باشند. اما نکته مهم این است که مفهوم «اعتصام بحبل الله» چیست؟ بنابه نص صریح قرآن کریم؛ «فن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی»^{۲۳} این در حالی است که متأسفانه در بسیاری از بخشهای امت اسلامی، ایمان بالله هست ولی کفر بالطاغوت فراموش شده. امروز مصداق بارز طاغوت و طاغوت اعظم دولت استکباری، زیاده خواه و یک جانبه گرای ایالات متحده آمریکا است که با تمام قدرت در اختیار صهیونیسم مسیحی - یهودی قرار گرفته و از هیچ تلاش و توطئه‌ای علیه جهان اسلامی فروگذار نیست^{۲۴}.

۴-۴. تمسک به اصل «ما لا یدرک کله لایترک کله»

بسیاری از ساده اندیشان سطحی نگر بر این تصوراند که اگر در همه ارزشها، اصول، ضوابط و رفتارها اشتراک وجود نداشته باشد، دم زدن از وحدت اسلامی تلاشی بیهوده و عبث خواهد بود. اینان در انتقاد از آرمان وحدت اسلامی، نوعاً با تکیه بر برخی اختلافات در جزئیات، چشم خود را بر بسیاری از نقاط اشتراک فرو می‌بندند و با افتادن در دام اصل بی‌اصالت «یا همه یا هیچ» نه تنها از آرمان وحدت حمایت و استقبال نمی‌کنند، بلکه به قدر توان و استطاعت خود، در پی تعمیق تفرقه‌ها و جدایی‌ها میان برادر ایمانی هستند.

امیرالمومنین (ع) در واکنش به غضب حق ولایت خویش در نامه ۶۲ نهج البلاغه به مالک اشتر نخعی تاکید می‌کند: «فامسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قدر جعت عن الاسلام؛ یدعون الی محق دین محمد(ص) فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهله، اری فیه ثلماً او هدماً تكون المصیبة به علی اعظم من فوت ولایتکم التي انما هی متاع ایام قلائل». حضرت امام خمینی (ره) با تاسی به امیرالمومنین (ع) تاکید می‌کند: «امروز (بر) سر ولایت امیرالمومنین اختلاف کردن، خیانت به اسلام است»^{۲۵}. و در پاسخ به استفتائی درباره مسائل حج به صراحت تمام اعلام می‌دارد: «در وقوفین، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است، اگرچه قطع به خلاف داشته باشید»^{۲۶}.

۵-۳. اصل مفاهمه و گفتگو

بسیاری از اختلافات موجود میان فرق بزرگ اسلامی ناشی از عدم آگاهی و یاتاکید متعصبانه بر اطلاعات غلط، جعلی، مغرضانه و یا آرای شاذ و نادری است که برخی از افراد ناآگاه یا ناباب در جایی و یا زمانی ابراز کرده و مورد توجه عامه مسلمانان نیز قرار نگرفته، اما تفرقه افکنان و دشمنان شناخته و ناشناخته اسلام منتشر می‌کنند.

ایجاد فضاهای گفتگو و مفاهمه برای شناخت و آگاهی دقیق از مواضع و عقاید یکدیگر، ایجاد حلقه‌های علمی، تضارب آراء بر مبنای «مجادله احسن»^{۲۷} می‌تواند ضمن کاستن از اختلافات بی‌مبنا در فروع و جزئیات، موجب تعمیق و توسعه اشتراکات در اصول و کلیات نیز بشود.

۵. اهداف وحدت اسلامی

اسلام، برخلاف سایر ادیان، یک نظام جامع و کامل عقیده و عمل است علاوه بر آن، به عنوان آخرین دین الهی، رسالتی جهانشمول و ابدی دارد^{۲۸} و پیامها و معارف آن برای تامین سعادت مادی و معنوی و دنیوی و اخروی همه انسانها، در همه زمانها و همه مکانها است. آیین مقدس اسلام با کاملیت و جامعیت خود، پاسخگوی همه نیازهای فطری انسان برای رسیدن به قله‌های سعادت و خوشبختی است^{۲۹}. به همین دلیل، هیچ اندیشه و نظام فکری و هیچ الگو و رویه زندگی دیگری نمی‌تواند برتر و بهتر از نظام فکری و الگوهای رفتاری اسلامی تلقی شود^{۳۰}.

بر این مبنا، هدف وحدت میان پیروان این دین الهی، باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد. (چراکه) رسالت نبی مکرم اسلام (ص) نیز هدایت جوامع انسانی به سوی اهداف صحیح زندگی از طریق تشکیل نظام اسلامی بوده است. (اساساً) هدف (همه) ادیان الهی (نیز) اقامه قسط، عدل، رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای انسانها می‌باشد^{۳۱}.

در سایه وحدت میان مسلمانان و فرق مختلف اسلامی است که امکان رسیدن به قرائتهای نزدیک به هم از امهات معارف اسلامی فراهم می‌شود و زمینه برای تشکیل حاکمیت‌های اسلامی در جوامع مسلمان نشین هموار می‌گردد و در چنین شرایطی است که اصول محکم

فقه اسلامی در عمل فرد و جامعه پیاده می‌شود و رهیافتهای اسلامی برای حل مسائل و مشکلات و معضلات بشری امکان عرضه و اجرا می‌یابد. و همه ترس مستکبران و جهانخواران و دشمنان بالفعل و بالقوه مسلمانان نیز در همین مساله است که فقه و اجتهاد اسلامی جنبه عینی و عملی یابد و در مسلمانان هویت مستقل فرهنگی و سیاسی و در نتیجه قدرت مقاومت و برخورد با زیاده خواهان و یک جانبه گرایان عرصه جهانی به وجود آورد.^{۳۴}

چنانچه در بخشهای پیشین نیز اشاره شد، رسالت عالمان دین، تفقه در دین برای ابلاغ پیامهای الهی به مخاطبان دین، دعوت ایشان برای پذیرش این معارف نورانی، هدایت مومنان به دین، بر اساس موازین و رهیافتهای دینی، زمینه سازی برای اجرای تام و تمام دین در عرصه عمل فرد و جامعه و نهایتاً مرزبانی و حراست از مرزهای فکری، فرهنگی، سیاسی و جغرافیای جهان اسلامی است و در این مسیر واجد چهار رسالت اصلی معرفتی، اخلاقی، اجتماعی و تقنینی می‌باشند. انجام بهینه این چهار رسالت می‌تواند منجر به توافق و همگرایی در ارزشهای مشترک، اصول مشترک، ضوابط مشترک و نهایتاً ساختارها و رفتارهای فردی و جمعی مشترک میان فرق مختلف اسلامی گردد.

در چنین وضعیتی، امکان شکل‌گیری ژئوپلتیک واحد اسلامی و آمادگی کامل برای دفاع از کیان، هویت، فرهنگ و تمدن اسلامی در برخوردهای میان فرهنگی و میان تمدنی ادعایی غرب مستکبر و زیاده خواه به وجود می‌آید.

۶. رهیافتهای عملی برای تحقق عینی وحدت اسلامی

با توجه به مباحث پیشینی وحدت اسلامی، در ملاحظات پسینی وحدت می‌توان به رهیافت‌های عملی خاصی در جهت تحقق عینی وحدت اسلامی اشاره کرد. از جمله مهمترین رهیافتهایی که در این مختصر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، مواردی است که در پی می‌آید:

۶-۱. طراحی نمادهای وحدت

یکی از مهم‌ترین نمادهای وحدت آفرین می‌تواند توافق بر سر تئوری حکومت از دیدگاه

اسلام باشد. حضرت امام خمینی (ره)، به عنوان بزرگ منادی وحدت در دوره معاصر اسلامی، در این باره می‌فرماید: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تامین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنانچه حضرت زهرا(س) نیز در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است»^{۳۳}.

ایشان با این رویکرد اصولی خود، موفق به رهبری انقلاب اسلامی و ارائه تئوری نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه شدند و در حساس‌ترین نقطه ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی جهان، نظام جمهوری اسلامی را مستقر نموده و پایه‌های مستحکم آن را تثبیت نمودند. علاوه بر آن، احیای حج ابراهیمی و استفاده از کنگره عظیم حج برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و ابراز انزجار و براءت علیه مستکبران و طاغوتیان زمان، اعلام روز جهانی قدس به عنوان روز اسلام و روزی که در آن باید اسلام را دوباره احیا کرد تا همه قوانین آن در همه ممالک اسلامی اجرا شود، و به عنوان روز هشدار به همه ابرقدرتها،^{۳۴} از دیگر اقدامات نمادین آن بزرگمرد منادی توحید بود. اعلام هفته وحدت، صدور فتوای تاریخی ارتداد سلمان رشدی و وجوب اعدام او و دعوت میخائیل گورباچف آخرین رهبر شوروی به معارف نورانی اسلام نیز دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است.

بنابراین، ایجاد نمادهای سمبلیک جدید - به تناسب شرایط و مقتضیات روز - برای فرهنگ سازی و جریان سازی اندیشه همگرایی اسلامی به عنوان جریان گفتمانی غالب و یک فراگفتمان در جهان اسلامی می‌تواند در اجتماع سازی جدید و شکل دهی روابط اجتماعی جدید در میان جوامع اسلامی، بسیار مفید و سودمند باشد.

۲-۶. طراحی ساختارها و نهادهای بین‌المللی اسلامی

در شرایط فعلی، استفاده بهینه و حداکثری از ظرفیتهای قابلیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی و نهادهای وابسته آن و نیز تقویت و توسعه آن یک ضرورت غیرقابل تردید است. همچنین تاسیس نهادهای بین‌المللی جدید برای پاسخگویی به نیازهای جدید جهان اسلام می‌تواند بسیار مفید و ضروری تلقی شود. از جمله این نهادها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - تاسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه؛ این موسسه می‌تواند زیر نظر سازمان کنفرانس اسلامی، با کوشش فقها، متکلمین، فلاسفه و علمای اسلامی، مواضع فرق اسلامی را به یکدیگر نزدیک کند و مجموعه‌ای متقن از دیدگاهها و آراء مستند و موثق آنان در اختیار مسلمانان قرار دهد.^{۳۵}

ب - تاسیس حوزه‌های علمیه مشترک؛ برای تدوین و تدریس فقه مقارن و تربیت فقهاء واجد شرایط و با صلاحیت برای تبیین و ترویج فقه قابل قبول اسلامی برای همه فرق و مذاهب، ایجاد وحدت رویه میان فقهای بزرگ اسلام برای ارائه پاسخهای متقن و مورد وفاق برای مسائل مستحدثه، مشاغل و معضلات پیش روی جهان اسلام، فهم و نقد نظامهای حقوقی رایج بین المللی، تحدی با مکاتب حقوقی غیراسلامی، شور در فتوا و زمینه‌سازی برای تضارب آرای فقهی و نهایتاً تاسیس «دارالافتاء الاسلامی» می‌تواند نقش بسیار تعیین کننده‌ای در کاهش تنشهای نظری و عملی میان مسلمانان ایفا نماید.^{۳۶}

ج - تاسیس «بنیاد تفسیر قرآن»؛ با مشارکت و همکاری صمیمانه مفسران عالیقدر و برجسته فرق بزرگ اسلامی به منظور ارائه تفاسیر معتبر و مورد وثوق و قبول فرق اسلامی. در این زمینه در جهان تشیع، نمونه‌های نسبتاً خوب و موفقی وجود دارد. مانند تفسیر شریف نمونه که با مشارکت و همکاری جمعی از مفسران نام آشنا با اشراف و نظارت حضرت آیت الله مکارم شیرازی به وجود آمده است. این تجربه می‌تواند میان علماء بزرگ اسلامی نیز تکرار شود و آثار و برکات خود را به بار آورد.

این در حالی است که متاسفانه قرآن به عنوان یقینی‌ترین سند و معتبرترین متن و منبع برای شناخت معارف و استخراج احکام و قوانین مورد نیاز جوامع اسلامی، با بهانه «ظنی الدلالة» بودن به حاشیه رفته. کتابی که خود را «مبین» و «تبیاناً لکل شیء»^{۳۷} توصیف کرده و ندای «لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر»^{۳۸} سر داده و مردم را به تدبر در آیات خود فرا خوانده، متنی دور از دسترس و فهم آدمی و مفاهیم قدسی دست نیافتنی به شمار آمده است. همچنین، «سنت» که حجیت آن نیز به خاطر آن که «ان هو الا وحی یوحی»^{۳۹} است باید منبع متقنی برای فهم و تفسیر زبان قرآن معرفی شود تا در کوران فتنه‌ها و هیاهوی

بافته‌های فلسفی، حقوقی دلفریب و حس نواز شرقی و غربی، هدایت جامعه متقین را به نحو احسن به اتمام برساند و صفحه ذهن و دل و رفتار و گفتار مسلمانان جولانگاه فرآورده‌های ناقص بشری نگردد.

د - تاسیس موسسات فرهنگی مشترک؛ ایجاد موسسات اطلاع رسانی مشترک و بین‌المللی اسلامی، خبرگزاری مشترک، موسسات پژوهشی و آموزشی مشترک، تدوین دایره المعارف‌ها مشترک، سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات و بنگاههای فرهنگی مشترک مانند بنیاد سینمایی مشترک، تولید فیلمها و سریالهای مشترک و قابل قبول برای همه فرق (مانند فیلم محمدرسول الله (ص)) تالیف رمانهای دینی، فلسفی و تاریخی مشترک و... از جمله اقدامات مفید دیگری است که می‌تواند زمینه ساز وحدت و انسجام اسلامی و تسهیل‌کننده توافق بر سر منشور مشترک وحدت قرار گیرد.

نتیجه

آرمان مقدس وحدت اسلامی از نخستین روزهای شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه النبی (ص) مورد توجه اولیاء دین و رهبران راستین و حقیقی اسلام بوده و تلاشهای این بزرگواران همواره در این مسیر بوده است. شرایط امروز حاکم بر عرصه‌های جهانی و جهان اسلام نیز این ضرورت را دوچندان کرده و آن را در حد یک انتخاب قطعی و بدون جایگزین برای جوامع اسلامی مطرح ساخته است.

تدوین منشور عملی وحدت و توافق رهبران دینی و سیاسی جهان اسلام بر سر چنین منشوری، رهیافتی عینی و عملی برای تحقق این آرمان بزرگ است. رسیدن به قرائتی واحد بر سر مفاهیمی مانند وحدت اسلامی، مبانی وحدت و اصول وحدت از پیشنیازهای قطعی و ضروری تدوین چنین منشوری به حساب می‌آید.

این توافق به نوبه خود رهبران و نخبگان فکری و سیاسی نحله‌های مهم اسلامی را قادر می‌سازد تا نقاط اشتراک و وحدت‌آفرین را در ارزشها، اصول، ضوابط و دستورالعملهای ساختاری و رفتاری مورد نیاز برای تدوین منشور عملی وحدت شناسایی نموده و برگزینند.

همچنین به عنوان گامهای عملی اجرایی و مقدماتی می‌توان از رهیافتهای عینی مانند طراحی نمادها و سمبلهای وحدت، طراحی ساختارها و نهادهای بین‌المللی اسلامی به تناسب نیازها و مقتضیات روز و تقویت نهادهای موجود مانند سازمان کنفرانس اسلامی و نهادهای وابسته به آن نام برد.

پی‌نوشتها:

۱. ر.ک: فرهنگ فارسی، محمد معین، ج ۴، و نیز فرهنگ انگلیسی سفارشی حیم.
۲. ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری، دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، (۱۳۸۵/۵/۳۰) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار.
۳. ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم. (انفال، آیه ۴۶).
۴. ر.ک: برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ساموئل هانتینگتون.
۵. ر.ک: مقاله «ضرورت توجه به ارتباطات میان فرهنگی گروههای قومی»، مهدی محسنیان راد، همایش علمی «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هـ.ش، تهران، آذر ۱۳۸۱».
۶. زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، شاپور رواسانی، مرکز بازشناسی اسلام در ایران، ۱۳۸۰، ۲۵-۲۶.
۷. ر.ک: فقه سیاسی؛ حقوق و تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، عباسعلی عمید زنجانی، انتشارات سمت، ص ۲۰.
۸. در فرهنگ غربی، واژه ملت (Nation) از ریشه لاتین (Natio) مشتق شده و بر مردمانی دلالت دارد که از راه ولادت با یکدیگر نسبت دارند و از یک قوم و قبیله‌اند.
۹. در قرآن کریم نیز، واژه «مَلَّة» بکار رفته که با معنی اصطلاحی رایج آن در محاورات سیاسی امروز بکلی متفاوت است و بیشتر به معنی دین و آیین می‌باشد مانند آیات ۱۳۰ و ۱۳۵ سوره بقره، ۹۵ آل عمران، ۲۵ نساء، ۱۶۱ انعام، ۳۷ و ۳۸ سوره یوسف، ۱۲۳ نحل، ۷۸ حج و ۷ ص. سوره نساء آیه ۹۲ و نیز سوره مومنون، آیه ۵۲.
۱۰. یا ایها الناس، ان ربکم واحد و ان اباکم واحد. کلکم لادم و آدم من تراب. ان اکرمکم عندالله اتقیکم. لیس لعربی علی عجمی و لا لعجمی علی عربی و لا لاحمر علی ابیض و لا لابیض علی احمر فضل الا بالتقوی. الا بلغت اللهم فاشهد الا فلیبلغ الشاهد منکم الغائب (تحف العقول، ابن شعبه، ص ۲۹).
۱۱. مبانی کلامی اجتهاد مهدی هادوی تهرانی، موسسه فرهنگی خانه خرد، (مبانی چهارم؛ ثبات و تغییر در احکام الهی).
۱۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.
۱۳. ولقد کرمتنا بنی آدم... اسراء، آیه ۷۰.
۱۴. علی (ع): و جدتک اهلاً للعبادة فعبدتک (بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۱۴، حدیث شماره ۴).
۱۵. شهید بهشتی (ره)، مجله حوزه، شماره ۱۵، ص ۴۲.
۱۶. صحیفه نور، ج ۲۱، چاپ وزارت ارشاد، ص ۹۸.
۱۷. ر.ک: بیانات مفیدی که زهیرالاعرجی، امام جمعه پیشین ایندیانای امریکا در ماهنامه کوثر، شماره ۲۳، ترجمه ع. امینی دارند.
۱۸. «تا خوفی الله اخوین اخوین» (تاریخ پیامبر اسلام، محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵).

۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علاء الدین هندی، بیروت، موسسه الرساله، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۱۴۹.
۲۰. سوره حجرات، آیه ۱۰.
۲۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۲۲. همان.
۲۳. سوره بقره، آیه ۲۶۵.
۲۴. مقام معظم رهبری، دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، (۱۳۸۵/۵/۳۰)، (پیشین).
۲۵. صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۳.
۲۶. همان، ج ۱۰، ص ۶۲.
۲۷. ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم باللّتی هی احسن. (نحل، آیه ۱۲۵).
۲۸. ما کان مجدابا احد من رجالکم ولكن رسول الله خاتم النبیین. سوره احزاب، آیه ۴۰.
۲۹. فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اکثر الناس لا یعلمون. سوره روم، آیه ۳۰.
۳۰. ان الدين عند الله الاسلام... (سوره آل عمران، آیه ۱۹). و نیز حدیث معروف؛ الاسلام یعلو ولا یعلی علیه.
۳۱. مقام معظم رهبری، دیدار با میهمانان کنفرانس اسلامی، ۶۹/۷/۱۶، (پیشین).
۳۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.
۳۳. رک: ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، ص ۲۷.
۳۴. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۷۷.
۳۵. مقام معظم رهبری، دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۶۸/۷/۲۴.
۳۶. مقام معظم رهبری، بسیاری از فتاویٰ علما و فقهای اسلام اگر مورد بحث فقهی قرار گیرد، می توانند به یکدیگر نزدیک شوند. دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی (پیشین)، ۶۸/۷/۲۴.
۳۷. سوره نحل، آیه ۸۹.
۳۸. سوره قمر، آیه ۴۰.
۳۹. سوره النجم، آیه ۴.